تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۲۴
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۲۰

فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی مشرق موعود
سال یازدهم، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۹۶

سنت‌پژوهی؛ رویکردی نوین به آینده‌پژوهی مهدویت

علیرضا افضلی [۱]
علی‌اصغر پورعزت [۲]
غلامرضا گودرزی [۳]

چکیده

فهم سنن الهی از دستاوردهای بسیار مهم شاگردی در محضر آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام، بوده و جایگاه مهمی را در جهان‌بینی اسلامی به خود اختصاص می‌دهد. بنابر لحاظ این سنت‌ها در آینده‌پژوهی در پرتو رهنمودهای دینی، می‌توان گفت آینده‌پژوهی دینی از جایگاه ویژه و ممتازی نسبت به آینده‌پژوهی رایج برخوردار است. ما در این مقاله در صدد ارائه روشی نوین در آینده‌پژوهی دینی مبتنی بر سنن الهی به نام «سنت‌پژوهی» بوده‌ایم. این مقاله در چهار بخش تنظیم شده است: در بخش اول برای تبیین مسئله به ضرورت آینده‌پژوهی دینی اشاره شده، در بخش دوم ادبیات موضوع در مورد سنت مرور شده، در بخش سوم چرایی و چگونگی «سنت‌پژوهی» به منزله رویکردی برای فهم از سنن، در آینده‌پژوهی مورد بحث قرار گرفته و در نهایت در بخش چهارم، به سنت‌پژوهی در ارتباط با مهدویت پرداخته شده است. روش تحقیق در این مقاله، مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیق در پرتو آیات قرآن کریم، با استفاده از روش‌های تفسیری بوده است.

واژگان کلیدی

مهدویت، آینده‌پژوهی، آینده‌پژوهی دینی، سنن الهی، سنت‌پژوهی.

---

۱. دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی دانشگاه تهران.
۲. استاد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) (pourezzat@ut.ac.ir).
۳. دانشیار دانشکده مدیریت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام تهران.

مقدمه: ضرورت آینده‌پژوهی دینی

علم آینده‌پژوهی به تدریج از جایگاه مناسبی در مجامع علمی جهان برخوردار شده است. در ایران نیز اگر چه این حوزه علمی، هنوز دهه‌های ابتدایی رشد و شکوفایی خود را طی می‌کند، اما اقبال خوبی از سوی مجامع دانشگاهی و غیر دانشگاهی به آن معطوف گشته است. در مورد تعریف این علم نوظهور می‌توان گفت که تاکنون تعاریف متعددی ارایه شده است که این امر ناشی از دیدگاه‌های متفاوت آینده‌پژوهان است. یکی از مشهورترین و شیواترین تعاریف آینده‌پژوهی را وندل بل ارایه داده است. وی بر این باور است که آینده‌پژوهی در پی شناسایی، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن و محتمل است تا بر پایه‌ی ارزش‌های جامعه، آینده‌های مرجح را انتخاب و به پی‌ریزی برای ساخت مطلوب‌ترین آینده کمك کند (بل، ۱۳۹۲: ۱۶۰). سهیل عنایت‌اله نیز کوشیده است تا تعریفی کوتاه و رسا برای آینده‌پژوهی ارایه کند. وی آینده‌پژوهی را مطالعه‌ی سامان‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح و دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌ها و اسطوره‌های بنیادین شکل دهنده هر آینده می‌داند. یکی از نکات جالب و متفاوت دیدگاه عنایت‌اله، توجه ویژه‌ی او به جهان‌بینی‌ها و اسطوره‌ها است. وی تصریح می‌کند، آینده‌پژوهی کاملاً وابسته به ارزش‌ها، گفتمان‌ها و باورهای یك جامعه است (عنایت‌اله، ۲۰۰۷: ۷).

یکی از مباحثی که همواره در کشور ما مطرح بوده، ارتباط بین آینده‌پژوهی و ملاحظات دین مبین اسلام است. هر چند که وندل بل در زمره‌ی آینده‌پژوهانی است که به صراحت این دانش را سکولار نامیده‌اند (بل، ۱۳۹۲: ۴۵)، و این باور به‌طور آشکار در اندیشه‌های او جلوه‌گر است، ولی تاکید وی بر ملاحظات ارزشی جامعه، جالب توجه است. همچنین جین در کتاب تحول جهانی فناوری، به‌طور آشکار تصریح می‌کند که علوم و فناوری‌های نرم "بی‌طرف" نیستند، چون به بافتارهای فرهنگی جوامع وابسته‌اند. وی علوم و فناوری‌های نرم را مزیت رقابتی جوامع و سازمان‌ها در آینده می‌داند (جین، ۱۳۸۷: ۲۷). عنایت‌اله، آینده‌پژوهی را چهار نوع می‌داند که یکی از آن‌ها، آینده‌پژوهی تعبیری (یا فرهنگی) است. هدف این نوع از آینده‌پژوهی، پیش‌بینی نیست، بلکه دستیابی به بینشی ژرف درباره آینده، از طریق مطالعه دیدگاه‌ها، تصویرها و ارزش‌های فرهنگی و تمدنی است. وی معتقد است که آینده‌پژوهی در هر فرهنگی، نسخه خاص خود را می‌طلبد و برای اثربخشی آینده‌پژوهی در هر جامعه‌ای، باید آن را بومی کرد (عنایت‌اله، ۲۰۰۷: ۱۹۸ـ۱۹۹).

به هر حال، اگر بخواهیم علم آینده‌پژوهی عرفی را بنا به نظر بل، سکولار بدانیم، باید تأملی

کرد که علم سکولار با علم دینی دست کم از سه وجه تفاوت دارد:

> هستی‌شناسی: انسان سکولار فقط به عالم شهود و آن‌چه مستقیماً به شکار حواس می‌افتد، اعتماد می‌کند؛ در حالی که انسان مؤمن به عالم غیب ایمان دارد و واقعیت را پهناورتر از عالم شهود می‌داند و عالم شهود را فقط بخش کوچکی از واقعیت هستی می‌بیند. در عالم شهود، مشاهده و کشف روابط علّی، نسبتاً ساده است، اما زمانی که پای عالم غیب به تحلیل‌های علّی باز می‌شود، تحلیل واقعیت به آن سادگی نخواهد بود.
>
> معرفت‌شناسی: علم سکولار فقط بر فهم انسانی تکیه دارد، اما انسان مؤمن در پی معرفت الهی است. دست‌یابی به این معرفت، نیازمند روش‌هایی است که انسان سکولار دسترسی و اعتقادی به آنها ندارد.
>
> جامعه‌شناسی: انسان سکولار خواهان حذف عقاید دینی از صحنه تصمیم‌گیری‌های اجتماعی است، در حالی که انسان دیندار، خواهان جلوه گری دین در همه شئون زندگی است (تقوی، ۱۳۹۲: ۶۵_۶۶).

آینده‌پژوهی رایج نمی‌تواند در جوامع غیرغربی کارساز باشد، زیرا طرفدار غرب است و می‌توان ادعا کرد که جهان‌بینی غربی در مباحث متداول آینده‌پژوهی موج می‌زند و حتی این مسئله، اعتراضات صریحی را نیز به همراه داشته است. آشکار است که اگر مواضع یک جهان‌بینی نسبت به آینده پذیرفته شود، احتمال بروز نوعی تسلیم در برابر آن ایجاد می‌شود. بنابراین، آینده‌پژوهی رایج بر اساس جهان‌بینی غربی عمل می‌کند و نمی‌تواند برای دیگر جوامع، به اندازه غرب مفید فایده باشد (پدرام،۱۳۹۳: ۱۴۰_۱۴۲). در این امتداد می‌توان به آراء ضیاءالدین سردار و سهیل عنایت اله اشاره کرد.

با در نظر گرفتن این تفاوت‌ها و با توجه به نظر جین و عنایت اله، ما نیازمند رویکرد بدیلی به علم آینده‌پژوهی هستیم؛ رویکردی که ارزش‌های اصیل و جهان‌بینی خاص خود را در نظر آورده، متضمن درک فرهنگ سایر جوامع باشد. در همین امتداد می‌توان آینده‌پژوهی در پرتو باورهای اسلامی را در نظر آورد. در آینده‌پژوهی در پرتو باورهای اسلامی (برخلاف آینده‌پژوهی سکولار)، رهنمودهای دینی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردارند و به منزله یک منبع دانشی عظیم، قابل استفاده‌اند. در منابع دینی، اصول و قواعد متقنی مطرح می‌شوند که می‌توان آنها را پشتوانه علمی مطالعات آینده محسوب کرد. مطالعاتی که نسبت بین آینده‌پژوهی و مطالعات دینی را الزام آور نشان می‌دهند. در واقع مطالعات دینی با رویکردی آینده پژوهانه، شرایط و امکان شناخت تحولات پیش روی جامعه را به شکل عمیق تری فراهم کرده،

چشم‌انداز نیل به آینده مطلوب جامعه را ترسیم می‌کند (عیوضی، ۱۳۹۱).

پیش‌فرض‌های آینده‌پژوهی دینی را می‌توان در چهار مورد زیر خلاصه کرد:

یک) افزون بر جهان مادی، جهان غیب نیز وجود دارد

یکی از ویژگی‌های مهم آینده‌پژوهی سکولار، تکیه صرف بر عالم شهود است. در نگاه آینده‌پژوهان سکولار، هر آن چه توسط انسان قابل مشاهده و درك است، مبنای کار قرار می‌گیرد و آینده‌پژوهی رایج به چیزی فراتر از آن اهمیتی نمی‌دهد. اما یکی از مفروضات کلیدی آینده‌پژوهی دینی آن است که عالم غیب، جهان شهادت را در بر گرفته است؛ یعنی از نگاه آینده‌پژوهی دینی، عواملی در جهان غیب وجود دارند که قابل تصور و درك نیستند، اما بر جهان مادی اثرگذارند (پدرام،۱۶۷:۱۳۹۳).

دو) اراده خداوند تنها عامل آینده‌ساز است

یکی از مفروضات کلیدی آینده‌پژوهی رایج آن است که آینده از پیش تعیین شده نیست و توسط اراده بشر ساخته می‌شود و اختیار انسان، مهم‌ترین عامل برپایی آینده است (بل،۱۳۹۲: ۲۸۵_۲۸۶)؛ در حالی که از منظر آیات و روایات، تنها سبب ایجاد، فقط اراده خداوند تبارک و تعالی است. هیچ برگی از درختی نمی‌افتد، جز به اذن و اجازه او و تنها عاملی که آفریننده آینده و حوادث آینده است، اراده خداوند است (پدرام، ۱۳۹۳: ۱۶۹) و سایر عوامل تحت شرایط و قوانین و اذن او، قدرت و اختیار تاثیر دارند.

سه) افزون بر عوامل فیزیکی و اجتماعی، عوامل دیگری نیز بر آینده تاثیرگذارند

همه علوم و فناوری‌های رایج (از جمله آینده‌پژوهی) فقط به عوامل فیزیکی و اجتماعی تکیه‌می‌کنند. اما از منظر آینده‌پژوهی دینی، این گونه نیست و عوامل دیگری نیز بر جهان هستی تاثیرگذارند(پدرام،۱۳۹۳: ۱۷۰)؛ عواملی که مادی نبوده و قابل تجربه مادی نیز نیستند؛ نظیر تاکید قرآن کریم بر احتمال دخالت ملائکه، جنیان و شیاطین در امور دنیوی.[۱]

چهار) اراده بشر در طول اراده الهی و در امتداد اذن اوست

در آینده‌پژوهی رایج، به نفوذ اراده الهی توجه نمی‌شود، در صورتی که از دیدگاه اسلام، اراده بشر در طول اراده خداست و هیچ چیزی جز با اذن او رخ نمی‌دهد و امور جهان فقط و فقط با اراده‌ی الهی صورت می‌گیرند، چون فقط خداست که به اسرار غیب احاطه

۱. ر.ک: نمل: ۱۸؛ سبأ: ۱۲؛ ص: ۳۷-۳۸؛ انبیاء: ۸۲.

دارد.[1] در آینده پژوهی دینی، هم در مقام توصیف و هم در مقام تجویز، اراده الهی فوق اراده بشر و عوامل و پیشران های تاثیرگذار بر آینده است. آینده پژوهان اسلامی می کوشند که همه دستاوردهای خود را بر این مفروض کلیدی استوار سازند و پیامدهای حاصل از هر عمل و عکس العمل را تابع اذن پروردگار می‌دانند (ر.ک. پدرام،۱۳۹۳: ۱۷۲).

در آینده پژوهی دینی تلاش بر آن است که معرفت دینی، در قالب دستاوردهای گوناگون (گزاره های آینده، روندها و نظایر آن) تبلور یابند. برای مثال، در آینده پژوهی دینی، سنت های الهی، معاد، ایمان به غیب، آیات و روایاتی که درباره خصوص آینده پیش گویی کرده‌اند و نظایر آن، مصادیقی از رهنمودهایی هستند که در آینده پژوهی دینی مورد تاکیدند (پدرام،۱۳۹۳: ۱۴۰_۱۴۲).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های متمایزکننده آینده پژوهی دینی از آینده پژوهی غربی، پذیرش و باور به سنت های الهی از منظر قرآن کریم است. این سنت ها، از جمله محورها و چشم اندازهای اصلی ناظر بر پیش بینی آینده افراد، سازمان ها، جامعه ها، حکومت ها و کل بشریت تلقی می‌شوند. یکی از وظایف آینده پژوهی دینی، تبیین سنت های الهی با کارکرد پیش بینی آینده است (ملکی فر، ۱۳۸۵)؛ زیرا پایه و اساس آن چه آینده بشری را تشکیل می‌دهند، در سنت الهی رقم خواهند خورد. مسائل اجتماعی معمولا به شکل یک سنت، از امروز به فردا و از فردا به آیندهٔ دوردست سرایت می کنند. ضرورت تلاش برای فهم آینده در پرتو سنت های الهی، موضوعی راهبردی در مطالعات دینی محسوب شده، بر سرنوشت انسان ها مؤثر تلقی می‌شود (عیوضی، ۱۳۹۱). بنابراین، با تلاش برای درک و کشف سنت های الهی در جامعه، می‌توان بخشی از فراگرد طراحی الهی آینده را تحت امر قطعی و یقینی پروردگار، ادراک کرد (بیاری،۱۳۸۶).

با توجه به نکات ذکر شده، مسئله پژوهش این گونه تبیین می‌شود: چگونه می‌توان در پرتو سنن الهی، به آینده پژوهی پرداخت؟ سنت های الهی چه تأثیراتی بر آینده پژوهی مهدویت می گذارد؟

ادبیات موضوع

۱. تعریف سنت

واژه «سنت» در قرآن، در مجموع، ۱۶ بار در سوره های مکی و مدنی به کار رفته است. در

۱. ر.ک: انعام: ۵۹.

برخی آیات، این واژه به صورت مفرد، یعنی «سنّه» به کار رفته است،[1] مانند آیه ﴿سُنَّةَ اللهِ الَّتي قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلُ وَ لَن تجِدَ لِسُنَّةِ اللهِ تَبْدِيلا﴾[2](فتح: ۲۳)، و در برخی از کاربردهای آن به صورت جمع مکسر، یعنی «سُنَن» به کار رفته است، مانند آیه ﴿قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُروا كَيفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُكَذِّبينَ﴾[3](آل‌عمران: ۱۳۷).

در مباحث فقه اللغه و اشتقاق، قاعده‌ای وجود دارد که هر کلمه، یک معنای ریشه‌ای دارد و معنای کلمه از آن ریشه نشات می‌گیرد. واژه سنت از ماده «سَنَنَ» اخذ شده است. در کتاب ***مقاییس اللغة*** در مورد این واژه چنین آمده است:

> **السین و النون أصلٌ واحد مطرد، و هو جریان الشیء و إطرادُه فی سهولة، و الأصل قولهم سَنَنْتُ الماءَ علی وجهی أَسُنُّه سَنًّا، إذا أرسلتَه إرسالا؛ و مما اشتقّ منه السُّنَّة، و هی السِّیرة؛ و سُنَّة رسول الله ﷺ: سِیرته؛ و إنما سمِّیت بذلك لأنها تجری جریا (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج۳، ۶۰)؛**
>
> حروف اصلی این کلمه سنن است و به معنای جریان پیدا کردن و جاری شدن چیزی و همگانی شدن و عمومیت پیدا کردن آن، به راحتی است. اصل کاربرد این واژه، برای ریختن آب بر روی صورت به کار می‌رود؛ به نحوی که آب به راحتی جاری شود و از این ماده، واژه «سنت» اشتقاق پیدا کرده است که به معنای سیره است و وجه تسمیه آن، به خاطر آن است که سنت جریان پیدا می‌کند و جاری می‌شود.

جوهری در ***صحاح اللّغة*** می‌گوید:

> **السَّنَنُ: الطریقة؛ و السُنَّةُ: السیرةُ. وَسَننْتُ الترابَ: صببتُه علی وجه الأرض صَبًّا سهلًا؛ و کذلك سَنَنْتُ الماء علی وجهی، إذا أرسلتَه إرسالًا من غیر تفریق؛ فإذا فرَّقتَه فی الصبّ قلتَه بالشین المعجمة (الجوهری، ۱۳۷۶: ج۵، ۲۱۴۱)؛**
>
> سنن به معنی روش و سیره است. سننت التراب، به معنی آن است که خاک را به راحتی بر روی زمین ریختم و همچنین در مورد آب به کار می‌رود که در مثال فوق، به معنی آن است که آب را به‌طور مستمر بر روی صورتم ریختم؛ و اگر آب ریختن به‌طور مستمر و پیوسته نباشد، واژه «شنّ» به کار می‌رود.

با توجه به عبارت‌هایی که از کتب لغت ذکر شد و جمع‌بندی آنها، به نظر می‌رسد که

۱. اسراء: ۷۷؛ احزاب: ۳۸؛ احزاب: ۶۲؛ فتح: ۲۳؛ حجر: ۱۳؛ کهف: ۵۵؛ فاطر: ۴۳؛ غافر: ۸۵؛ انفال: ۳۸.
۲. این سنت الهی است که در گذشته نیز بوده است، و هرگز برای سنت الهی تغییری نخواهی یافت.
۳. قطعاً پیش از شما سنّت‌هایی [بوده و] سپری شده است. پس، در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟

در واژه «سـنن» سـه مؤلفـه معنـایی وجـود دارد کـه آن را از برجسـتگی خاصـی برخـوردار می‌سازند: الف) جریان داشتن و جاری بودن؛ ب) سهولت در جریان؛ ج) دوام، ثبات و استمرار. وقتی ایـن سه مؤلفه معنـایی بـا هـم ترکیـب شـوند، مـا را تـا حـدی بـه معنـای ریشه‌ای ایـن واژه نزدیک می‌کنند؛ یعنی می‌توان گفت که سنت چیزی است که جریان دارد و به سهولت جاری می‌شود و در عین حال، دوام داشته و استمرار دارد. علامه طباطبایی رحمه‌الله در تعریف ایـن واژه می‌گوید:

> سنت همان طریقه و روش معمول است که به اقتضای طبیعت خود، غالباً یا به‌طور دائم، جریان دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج۱۶، ۳۴۰).

واژه «سنت» در علم حدیث نیز به کار می‌رود؛ برای مثال، سنه النبی عبارت است از «طریقة النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله، قولا و فعلا و تقریرا، أصالة أو نیابة» (طریحی، ۱۳۷۵: ج۶، ۲۶۸)؛ یعنی عبارت است از قـول و عمـل و تقریـر پیـامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بـه صـورت اصـلی یـا نیـابتی. بنـابراین، هـر کلامـی کـه بـه پیـامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و معصومین علیهم‌السلام استناد داده شود و حکایت‌کننـده قـول، فعـل و تقریـر آن حضرات باشد، حاکی از سنت و سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و معصومین علیهم‌السلام است.

منظور از «سنت» در این نوشتار «سنة الله» است، که عبارت است از «روش‌هایی که خداوند متعال، امور عالم و آدم را بر پایه آنها تدبیر و اداره می‌کند و از ویژگی‌های آن، تخلف‌ناپذیری و تبدیل‌ناپـذیری اسـت» (مصـباح یـزدی،۱۳۶۸: ۴۲۵). سـنن الهـی، نـاظر بـر قـوانین ثابـت و مستمری است که حق تعالی بر همه جهان تکوین، از جمله انسان و اجتماعات انسانی حاکم نموده است و امور عـالم و آدم را بـر اساس آن، تـدبیر و اداره می‌کنـد. خداونـد متعـال از طریـق همین قـوانین، اراده خـود را بـر جهان محقق ساخته است. در واقع تحقق اراده الهی در عـالم وجود، از طریق همین قوانین ثابت و پایدار و مستمری است که از آن به عنوان سنن الهی یاد می‌شود. شهید صدر می‌گوید:

> خداوند قدرتش را از خلال همین سنت‌ها اعمال می‌کند. این سنت‌ها و قوانین، «ارادة الله»اند و حکمت و تدبیر او را در عالم، تجسّم می‌بخشند (صدر، ۱۳۹۳: ۱۶۲).

همان‌طور که گفته شد، در قرآن کریم واژه «سنت» گاهی به صورت مفرد و گاهی به صورت جمع بـه کـار رفتـه است. همچنـین با دقت در کاربردهـای قرآنـی آن ملاحظه می‌شود که ایـن اصطلاح، گاهی به صورت نکره به کـار رفتـه است[1] و گاهی به صورت ترکیب اضافی به لفظ

۱. آل‌عمران: ۱۳۷.

جلاله«الله»[1] و یا به ضمیر «نا»[2] (که در این دو مورد از نوع اضافه شدن مصدر به فاعل خود است)، و یا به لفظ «الّذین»[3] و به لفظ «الاولین»[4] و یا به اسم موصول «من»[5] (که از نوع اضافه شدن مصدر به مفعول خود است). نکته این است که تفاوت این کاربردها، باعث تفاوت در معنای سنت نمی‌شود.

در بین پژوهشگران نیز مفهوم سنت‌ها، گاهی به منزله «سنن اجتماعی» مطرح می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۶۸: ۴۲۵) و گاهی نیز به مثابه «سنن تاریخی» (صدر، ۱۳۹۳: ۱۳۷)؛ ضمن این‌که گاهی نیز با اشاره به «سنت‌های الهی» مطرح می‌شوند که تاکید می‌شود همه این سنت‌های الهی، منطبق بر یکدیگرند. با این حال، به نظر می‌رسد به کار بردن اصطلاح «سنن الهی» با توجه به شمولیت و توسعه بیشتر آن، بهتر باشد.

نکته‌ای که در این‌جا تا حدی بحث برانگیز به نظر می‌رسد، آن است که با توجه به تعریفی که از سنن ارائه شد، شاید بتوان گفت که قوانین علوم طبیعی مثل فیزیک و شیمی که دانشمندان کشف می‌کنند و در محاسبات خود لحاظ می‌کنند نیز داخل در این تعریف شوند و مفهوم سنت نیز بر آنها اطلاق گردد. یعنی به‌طور کلی می‌توان گفت که همه قوانین علت و معلولی، داخل در مفهوم سنت قرار می‌گیرند.

در مورد اطلاق تامّ واژه سنت در مورد این قبیل از قوانین، اختلاف وجود دارد. برای مثال، شهید صدر سه شرط را برای آن‌که بتوان یک قانون را سنت تاریخی دانست، مدنظر قرار می‌دهد:

> وجود علت فاعلی(کننده)، وجود علت غایی(هدف) و وجود جنبه اجتماعی. به عبارتی، شرط سوم آن است که این قانون باید در جامعه موج ایجاد کند؛ موجی که از فاعل آن عبور کند و زمینه‌اش سطح جامعه را فرا گیرد و شخص فاعل، یکی از افراد آن جامعه باشد (صدر، ۱۳۹۳: ۱۷۶ـ ۱۷۴).

صرف‌نظر از این‌که بخواهیم بر طبق دیدگاه شهید صدر، این سه شرط را برای سنن الهی بپذیریم یا نه، می‌توان حداقل سه وجه تفاوت را بین قانون علمی و سنت مدنظر قرار داد:

الف) قوانین علمی، روابط محسوس و مشهود را در میان پدیده‌های طبیعی بیان می‌کنند،

۱. احزاب: ۳۸؛ احزاب: ۶۲؛ فتح: ۲۳؛ فاطر: ۴۳؛ غافر: ۸۵.
۲. اسراء: ۷۷.
۳. نساء: ۲۶.
۴. کهف: ۵۵؛ حجر: ۱۳؛ فاطر: ۴۳؛ انفال: ۳۸.
۵. اسراء: ۷۷.

مثل رابطه حرارت با جوش آمدن آب. به‌طور کلی، حوزه قوانین علمی، جایی است که پدیده قابل حس و لمس باشد و طبیعتاً آثار و روابط آن، قابل درک و فهم و کشف باشند. اما سنن الهی هم عالم محسوس(شهادت) و هم عالم نامحسوس(غیب) را فرا می‌گیرند و رابطه بین این دو عالم را تبیین می‌کنند، که برای دانشمندان قابل کشف نبوده و جز از طریق وحی قابل درک نیستند. چون حوزه کار آنها محسوسات است.

ب) تفاوت مهم دیگری که بین قوانین علمی و سنن الهی وجود دارد، مراتب عدم قطعیت در قوانین علمی و قطعیت در سنن الهی است. وقتی سنن الهی به درستی کشف می‌شوند، چون سنن الهی برخاسته از اراده لا یتغیر الهی‌اند، بر اساس آنها می‌توان به قطعیت رسید تا اگر شرایط تحقق پیدا کنند، مطمئن شویم که نتیجه مبتنی بر سنت به دنبال آن تحقق پیدا خواهد کرد. این قطعیت را ما بدین خاطر مورد تاکید قرار می‌دهیم که این سنت و قانون، برخاسته از وحی است. اما در سویه مقابل، قوانین بشری قرار دارند که به نوعی، شرط و جزا را در کنار هم قرار می‌دهند، اما به‌طور قطع و یقین، هیچ کسی نمی‌تواند ادعا کند که اگر شرط تحقق پیدا کند، این جزا بلافاصله به دنبال آن است. خلاصه این‌که قوانین علمی را نمی‌توان قطعی و یقینی دانست و در تاکید یا رد آنها کافی است که چند مورد نقض پیدا شود. به همین دلیل گفته می‌شود که همه قوانین علمی، تا اطلاع ثانوی و تا زمانی که نقض نشوند، معتبر تلقی می‌شوند. اما سنن الهی، از خصیصه قطعیت و یقینی بودن برخوردارند.

ج) تفاوت دیگری که بین قوانین علمی و سنن الهی وجود دارد، جامعیت آنهاست. در سنن الهی با توجه به این‌که ما از منبع وحی استفاده می‌کنیم، به نحو جامعتری می‌توانیم به قوانین بر حق دست یابیم. چون این قوانین از سوی خداوند متعال و در کتابی حکیم بیان شده‌اند. قرآن می‌فرماید:

﴿إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ وَ مَا هُوَ بِالْهَزْلِ﴾ (طارق:۱۳ـ۱۴)؛
این [قرآن] سخنی قاطع است و آن بیهوده و شوخی نیست.

لذا ما با توجه به این امتیاز فوق العاده، می‌توانیم اولاً به قوانینی که مطابق با حق و حقیقت است و ثانیاً جامع و کامل است دسترسی پیدا کنیم.[1]

به هر حال، اگرچه کشف قوانین طبیعی از طریق خطا و تجربه، خود سنتی است که خداوند

۱. در تدوین این عبارت‌ها از دیدگاه‌ها و ملاحظات استاد غلامرضا مصباحی‌مقدم، مهدی ایزدی، عباس مصلایی‌پور و منصور میراحمدی استفاده شده است.

متعال در عالم خلقت قرار داده است و از بشر خواسته است تا به دنبال کشف این قوانین باشد و بشر می‌تواند بر اساس تجربه و آزمایش، برخی از این قوانین را هر چند به‌طور ناقص کشف کند، اما از طرف دیگر ما یک سری سنت‌هایی داریم که الهی است و از طریق وحی فهم می‌شود و عقل بشری نمی‌تواند بدون کمک وحی به آنها دست یابد. لذا ما عنوان سنت را بر روی قوانین و قواعدی می‌گذاریم که در افعال الهی وجود دارند و خداوند تدبیر عالم را از طریق این قوانین انجام می‌دهد. در آیات زیادی از قرآن کریم به این قوانین اشاره شده است و راه کشف آنها، استفاده از وحی است.

البته شاید در گام بعدی بتوان از تجربه بشری برای راستی‌آزمایی «مراتب صحت ادراک سننی که از طریق وحی فهمیده شده است»، استفاده کرد. راستی آزمایی، به معنای ارزیابی مراتب صحیح یا غلط بودن فهم ما از آیات قرآن است. به هر حال، نباید تجربه بشری را کنار گذاشت؛ ضمن این‌که عقل نیز می‌تواند تا حدی، برخی از واقعیت‌ها را کشف کند. این همان سنتی است که خداوند در خلقت قرار داده است. در این امتداد حتی می‌توان این گونه گفت که تجربه بشری، بینشی به ما عطا می‌کند که به کمک آن، بهتر بتوانیم سنت‌ها را از وحی متمایز کنیم. لذا می‌توان ادعا کرد که تجربه بشری می‌تواند بسیاری از سنت‌های تاریخی را برای ما معنی‌دار کند.[1]

۲. ویژگی‌های سنن الهی

برخی از ویژگی‌های سنت‌های الهی، در آیات قرآن کریم مورد تصریح قرار گرفته‌اند و برخی دیگر از این ویژگی‌ها از تعریف و موارد استعمال آن در آیات قرآن، قابل فهم و درکند. در این‌جا به برخی از مهمترین ویژگی‌های سنن الهی اشاره می‌شود.

الف) الهی و ربانی بودن سنن

اولین ویژگی، خدایی بودن این سنت‌هاست. این سنن هویت و موجودیت خود را از امر خداوند می‌گیرند؛ یعنی وضع این قوانین و جاری شدن و برطرف شدن آنها، به دست خداوند است. اینها «سنة الله» و به عبارت دیگر «کلمات الله» هستند. قرآن می‌فرماید:

﴿وَ لَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُواْ عَلَىٰ مَا كُذِّبُواْ وَ أُوذُواْ حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصرُنَا وَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللهِ﴾ (انعام: ۳۴)؛

بی‌تردید، پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند، ولی بر آن‌چه تکذیب شدند و آزار

۱. در تدوین این عبارت‌ها از دیدگاه دکتر محسن الویری استفاده شده است.

دیدنـد، صـبر کردنـد تـا نصـرت مـا بـه ایشـان رسـید و سـخنان خداونـد را تغییـر دهنده‌ای نیست.

تاکید قرآن بر الهی بودن سنت‌های تاریخی و خصوصیت غیبی بودن آنها، برای پرورش اندیشه وابستگی انسان به خداست. البته این ویژگی الهی بودن سنن، به معنای نفی قانون علیت و رابطه بین علت و معلولی نیست؛ بلکه قرآن، وجود این روابط علت ـ معلولی منظّم و متقن در بین حوادث تاریخی این عالم را می‌پذیرد؛ ولی می‌گوید که این روابط، تعبیری از حکمت خداوند و حسن تدبیر او در ساختمان جهانند (صدر، ۱۳۹۳: ۱۶۴ـ ۱۶۵).

ب) عمومیت داشتن سنن الهی

بدین معنی که این سنن اختصاص به قوم خاصی ندارد، بلکه سنت‌ها تکرار پذیرند و شامل همه ملت‌ها و اقوام می‌شوند. برای نمونه قرآن در این باره چنین می‌فرماید:

﴿قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُواْ فِي الْأَرْضِ فَانظُرُواْ كَيفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِين﴾ (آل‌عمران: ۱۳۷)؛

قطعاً پیش از شما سنّت‌هایی [بوده و] سپری شده است. پس، در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟

و یا در جای دیگر می‌فرماید:

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُواْ الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يأْتِكُم مَّثَلُ الَّذِينَ خَلَوْاْ مِن قَبْلِكُم مَّسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَ الضَّرَّاءُ وَ زُلْزِلُواْ حَتىَ يقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُ مَتىَ نَصْرُاللهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَاللهِ قَرِيب﴾ (بقره: ۲۱۴)؛

آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید و حال آن‌که هنوز مانند آن‌چه بر [سرِ] پیشینیان شما آمد، بر [سرِ] شما نیامده است؟ آنان دچار سختی و زیان شدند و به [هول و] تکان درآمدند، تا جایی که پیامبر [خدا] و کسانی که با وی ایمان آورده بودند گفتند: «یاری خدا کی خواهد بود؟» آگاه باشید، که پیروزی خدا نزدیك است.

در جای دیگر در مورد عمومیت داشتن سنت ابتلاء می‌فرماید:

﴿أَحَسِبَ النَّاسُ أَن يترَكُواْ أَن يقُولُواْ ءَامَنَّا وَ هُمْ لَا يفْتَنُونَ. وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَيعْلَمَنَّ اللهُ الَّذِينَ صَدَقُواْ وَ لَيعْلَمَنَّ الْكَاذِبِين﴾ (عنکبوت: ۲ـ۳)؛

آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟ به یقین، کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم، تا خدا آنان را که راست گفته‌اند معلوم دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم دارد.

این آیات بر این مهم دلالت دارند که کلیه امت‌هایی که قبل از شما زندگی می‌کردند، این سنت‌ها در مورد آنها جاری شده است؛ یعنی سنت‌های الهی، ناظر بر روابطی اتفاقی و خشک نیستند؛ بلکه شکلی مستحکم و صریح و منطقی دارند و تا وقتی جهان در وضع عادی، بر منوال طبیعی خود سیر می‌کند و تغییری در آن مشاهده نمی‌شود، این قوانین نیز در عالم جاری خواهد بود و اگر تغییری در ارکان آفرینش رخ دهد، متناسب با آن تغییر، در دستگاه عدل الهی باز تعریف می‌شوند. ویژگی تعمیم پذیری و فراگیری این سنت‌ها به حدی جدی است که می‌توان در پرتو آنها قوانین علمی تدوین کرد؛ قوانینی که به ما قدرت پیش‌بینی می‌دهند.

ج) ثابت بودن و تغییرناپذیر بودن سنن الهی

قرآن می‌فرماید:

﴿فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللهِ تَبْدِيلًا وَ لَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللهِ تَحْوِيلاً﴾ (فاطر:۴۳)؛
هرگز برای سنّت خدا تبدیلی نمی‌یابی و هرگز برای سنّت خدا دگرگونی نخواهی یافت.

در پرتو آیه فوق، در می‌یابیم که دو واژه «تبدیل» و «تحویل» از سنن الهی نفی شده‌اند. در این‌جا لازم است دو نکته را در مورد آیه ذکر کنیم:

الف) «تبدیل» در لغت به معنای چیزی را جای چیزی دیگر قرار دادن است؛ «جعل الشیء مکان آخر» (راغب،۱۴۱۲: ۱۱۱). «تحویل» به معنای تغییر و نقل دادن از جایی به جای دیگر است؛ «حوّلته تحویلا: نقلته من موضع الی موضع آخر» (مصطفوی،۱۴۳۰: ج۲، ۳۱۷). علامه طباطبایی در توضیح این دو واژه می‌فرماید:

> تبدیل سنت خداوند به این است که عذاب خداوند را بردارند و به جایش نعمت و رفاه بگذارند(یعنی عذاب به ضدش تبدیل شود)، و تحویل سنت عبارت است از آن‌که عذاب قومی را که مستحق آنند، به سوی قوم دیگری برگردانند(که آنها مستحق این عذاب نیستند). سنت خداوند نه تبدیل می‌پذیرد و نه تحویل. برای آن‌که خداوند بر صراط مستقیم قرار دارد و حکم او نه تبعیض دارد و نه استثناء (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج۱۷، ۸۳).

در این امتداد می‌توان گفت تبدیل، دگرگون کردن قانون و تحویل، دخالت در تطبیق قانون است.

ب) عبارت «لن تجد» به معنای آن نیست که تبدیل و تحویل وجود دارد و شما نمی‌توانید آنرا بیابید؛ چرا که گفته می‌شود: «عدم الوجدان لا یدل علی عدم الوجود»؛ بلکه بدین معناست

که اصلا تبدیل و تحویل در سنن الهی امکان‌پذیر نیست. این تعبیر در آیه، به مانند آیه ﴿ما تَرَی فِی خَلْقِ الرَّحْمَانِ مِن تَفَاوُت﴾ (ملک: ۳) (در آفرینشِ [خدای] بخشایشگر هیچ گونه تفاوتی نمی‌بینی) است. نکته دیگر آن که تبدیل و تحویل در دو آیه، به صورت نکره به کار رفته‌اند، و در اصطلاح علم نحو، موضوع افاده عموم می‌کند؛ یعنی هیچ نوع تبدیل و تحویلی را در سنن الهی نخواهی یافت.

۳. انواع سنن الهی

در مورد سنن الهی، تقسیم بندی‌های متفاوتی صورت گرفته است که در این‌جا به‌طور اجمال مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف) سنت‌های دنیوی و سنت‌های اخروی

سنت‌های دنیوی به سنت‌هایی گفته می‌شود که مربوط به عالم دنیاست و زندگی دنیایی انسان را شامل می‌شود. سنت‌های اخروی سنت‌هایی هستند که مربوط به عالم آخرت بوده و در آن‌جا جاری هستند، مانند سنت جزا و پاداش که در آخرت در مورد جهنمیان و بهشتیان اتفاق می‌افتد.

ب) سنت‌های مطلق و سنت‌های مقید

سنت‌های مطلق(غیر مشروط)، سنت‌هایی هستند که مسبوق به اراده و فعل و اختیار انسان نیستند. در مقابل، سنت‌های مقید(مشروط)، سنت‌هایی هستند که به اراده و فعل اختیاری انسان بستگی دارند، و بر اساس اراده و فعل و اختیار و انتخاب انسان، تحقق می‌یابند. یعنی این نوع از سنن، متناسب و بر حسب رفتار انسان، جاری و ساری می‌باشند. این سنت‌های مقید، خود به دو دسته سنن مرتبط با اهل حق، مانند سنت یاری و سنن مرتبط با اهل باطل، مانند سنت اضلال تقسیم می‌شوند.

ج) سنت‌های تکوینی و سنت‌های تشریعی

سنت‌های تکوینی سنت‌هایی‌اند که در عالم خلقت و تکوین قرار داده شده‌اند و بر آن حاکمند و وجه توصیفی دارند. این سنت‌ها خود به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول سنت‌هایی هستند که مربوط به جهان خلقتند؛ دسته دوم سنت‌هایی‌اند که مربوط به انسانند؛ و دسته سوم سنت‌هایی‌اند که مربوط به جامعه‌اند. به عبارت دیگر، یک سری از سنن مربوط به حیات فردی انسان و دسته دیگر مربوط به حیات جمعی انسانند.

سنت‌های تشریعی، بایدها و نبایدها و الزاماتی هستند که خداوند در عالم حاکم فرموده

است. نسبت بین سنت‌های تشریعی با سنت‌های تکوینی بدین صورت است که سنت‌های تشریعی مبتنی بر سنت‌های تکوینی بوده، از درون آنها خارج می‌شود. به عبارت دیگر، نمی‌توان سنت‌های تشریعی را خارج از سنت‌های تکوینی لحاظ کرد. برای مثال، می‌توان به آیه ﴿یمْحَقُ اللهُ الرِّبا وَ یرْبِی الصَّدَقات﴾ (بقره: ۲۷۶) (خداوند ربا را تباه می‌سازد و صدقات را افزون می‌کند) اشاره کرد که یک سنت تکوینی است و مبتنی بر این سنت تکوینی، سنت تشریعی ﴿أَحَلَّ اللهُ الْبَیعَ وَ حَرَّمَ الرِّبا﴾ (بقره: ۲۷۵) (خداوند معامله را حلال و ربا را حرام کرده است) جاری می‌گردد.

یادآوری می‌شود که می‌توان به قوانین تشریعی این نقد را وارد ساخت که اینها از جنس سنت نیستند. زیرا اینها در مورد الزامات و باید و نبایدها حرف می‌زنند؛ در حالی که سنت‌ها در مورد هست‌ها و نیست‌ها صحبت می‌کنند. شهید صدر فرق دیگری را نیز ذکر می‌کند و آن این که امکان مخالفت با احکام تشریعی وجود دارد، در حالی که امکان مخالفت با سنت‌های تکوینی وجود ندارد و یا اگر بشود با آن مخالفت کرد، در کوتاه مدت این مخالفت امکان دارد، ولی در بلند مدت این امکان وجود ندارد (صدر، ۱۳۹۳: ۱۹۵ـ۲۰۰)؛ لذا نمی‌توان عنوان سنت را برای این احکام تشریعی به کار برد.

سنت‌پژوهی: چرایی و چگونگی

در این بخش، برای پاسخ به سوال اصلی پژوهش که بر چگونگی استفاده از سنن الهی در آینده‌پژوهی دلالت دارد، رویکرد سنت‌پژوهی به منزله یک رویکرد در استفاده از دلالت سنت‌های الهی بر آینده‌پژوهی و تخمین آینده، معرفی می‌شود. همان‌طور که ذکر شد، سنت‌های الهی، قوانینی هستند که خداوند بر عالم خلقت حاکم فرموده است و از طریق این قوانین، تدابیر خود را در عالم تکوین، جاری می‌سازد. استخراج و شناخت و تبیین این قوانین، می‌تواند به ما در تحلیل و تبیین آینده و همچنین ساختن آن کمک کند. از این رو ادعا می‌شود که می‌توان سنت‌پژوهی را به منزله رویکردی نوین در آینده‌پژوهی مبتنی بر سنن الهی، مد نظر قرار داد. بر اساس این رویکرد، می‌توانیم آینده را بهتر و بعضا دقیق‌تر، تبیین کرده و در تحقق آن از سنن الهی کمک بگیریم. سنت‌پژوهی، پژوهش در سنت‌های الهی و کشف آنها، تبیین شرایط و چگونگی تحقق آنها، تبویب آنها و تبیین چگونگی نحوه مراوده سنن با یکدیگر، در جهت تحلیل و تبیین وقایع آینده است. برای تبیین رویکرد سنت‌پژوهی، در ابتدا به چرایی و ضرورت سنت‌پژوهی و در ادامه، به چگونگی تحقق آن می‌پردازیم.

۱. چرایی و ضرورت سنت‌پژوهی

در قرآن کریم آیاتی وجود دارند که به ضرورت توجه به سنت‌هایی که در مورد اقوام گذشته جاری شده‌اند، اشاره دارد. در این‌جا به چند نمونه از این آیات اشاره می‌شود:

﴿أَفَلَمْ يسِيرُواْ فِي الْأَرْضِ فَينظُرُواْ كَيفَ كاَنَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم﴾ (محمد: ۱۰)؛
آیا در زمین نگردیده‌اند تا فرجام کسانی را که پیش از آنان بوده‌اند بنگرند؟

این آیه بر سنت‌های الهی تکیه کرده و بر کاوش روی حوادث تاریخ برای دست یافتن به سنت‌های الهی و عبرت و موعظه گرفتن از آنها، اصرار دارد. همچنین می‌توان به آیات ۱۳۷ آل‌عمران و ۱۰۹ یوسف اشاره کرد که مضمونی نزدیک به مضمون آیه فوق دارند و بر اهمیت سیر در روی زمین و کشف سنت‌های الهی و دقت و تدبر در آنها تاکید دارند.

﴿فَكَأَين مِّن قَرْيةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَ هِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيةٌ عَلَىَ عُرُوشِهَا وَ بِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَّشِيدٍ. أَفَلَمْ يسِيرُواْ فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لهَُمْ قُلُوبٌ يعْقِلُونَ بهَِا أَوْ ءَاذَانٌ يسْمَعُونَ بهَِا فَإِنهَّا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُور﴾ (حج: ۴۵ـ۴۶)؛
چه بسیار شهرها را که ستمکار بودند هلاکشان کردیم و اینک، آن شهرها بر سقف‌هایش فرو ریخته‌اند و چه بسا چاه‌های آب که رها شده و قصرهای افراشته [که بی‌صاحب مانده‌اند]. آیا در زمین گردش نکردند تا صاحب قلب‌هایی شوند که با آن بیندیشند یا گوش‌هایی که با آن بشنوند؟ در حقیقت چشم‌ها کور نمی‌شوند و لیکن قلب‌هایی که در سینه‌هاست، کور می‌شوند.

﴿وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنهُم بَطْشًا فَنَقَّبُواْ فِي الْبِلَادِ هَلْ مِن مَّحِيصٍ. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَن كاَنَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيد﴾ (ق: ۳۶ـ۳۷)؛
چه بسیار نسل‌هایی را که پیش از ایشان هلاك نمودیم که از آنها قوی‌تر بودند و در شهرها رخنه کردند. آیا [از قدرت خدا] گریزی هست؟ قطعا در این [عقوبت‌ها] برای آن که صاحب دل است یا با حضور قلب گوش فرا می‌دهد، عبرتی است.

از مجموع این آیات، ضرورت کشف سنت‌های الهی و تعمیق و تدبر در آنها اثبات می‌شود. این آیات اشاره دارند به این‌که در جهان خلقت، سنت‌هایی قرار داده شده‌اند و این سنت‌ها، در مورد اقوام گذشته پیاده شده‌اند و در مورد شما هم امکان تحقق آنها وجود دارد. پس بر روی زمین بگردید و این سنت‌ها را ببینید و آنها را مورد تامل و تدبر قرار دهید و با استفاده از آنها، برای آینده خود تصمیم بگیرید.

شهید صدر می‌گوید:

قرآن به منزله کتابی که به این قوانین و سنت‌های الهی اشاره فرموده است و بر وجود این سنت‌ها و جاری بودن آنها اصرار می‌ورزد و با این نوع تفکر که حوادث عالم خود به خود و از روی اتفاق صورت می‌گیرند، به شدت مقابله می‌کند. همچنین قرآن با این نظر که حوادث در دست تقدیرات غیبی‌اند و ما را در برابر آن، جز تسلیم و رضا، چاره‌ای نیست، به مخالفت صریح بر می‌خیزد. قرآن در برابر این نوع تفکرات، به شدت مقاومت کرده و هیچ حادثه‌ای را بی‌جهت و یا از روی اعمال قدرت و لزوم تسلیم در برابر خداوند، توجیه نمی‌کند. بلکه حتی عقل بشر را هشدار می‌دهد که در این عالم خلقت، سنن و قوانین حاکمند، و برای این‌که انسان بتواند بر سرنوشت خود حاکم شود و بتواند در این قوانین نفوذ کند، باید شناختی نسبت به این سنت‌ها و قوانین داشته باشد. در غیر این صورت، هرچند شما چشم بسته باشید، اما آن قوانین بر شما حکومت خواهند کرد. شما چشمان‌تان را باز کنید و این سنت‌ها و قوانین را ببینید تا شما بر آنها حاکم گردید، نه این‌که آنها بر شما تأثیر بگذارند (صدر، ۱۳۹۳: ۱۵۷ـ۱۵۸).

همان‌طور که در بحث تعریف سنت گفته شد، سنن الهی مجرای تحقق اراده الهی‌اند؛ یعنی امر خداوند از طریق این سنت‌ها، در نظام خلقت جاری و ساری می‌شود. به تعبیر عامیانه، می‌توان سنن الهی را به قواعد ناظر بر سیستم عامل رایانه «سامانه آفرینش» تشبیه کرد؛ رایانه‌ای که بر اساس قوانین سیستم عامل سنن الهی کار می‌کند. شناخت این سنن و حرکت مبتنی بر آن، باعث می‌شود که انسان هماهنگ با سامانه آفرینش شده و اراده او بر مدار حق و مشیت الهی قرار گرفته و هماهنگ با اراده خداوند شود و در نتیجه، فعالیت و تلاش او از ثمره لازم برخوردار گردد. چرا که در این حالت، عوامل مادی مطابق با عوامل معنوی و در راستای آن قرار می‌گیرند و در نتیجه، فعل ما از قدرت و اراده خداوندی اعتبار می‌گیرد و در نتیجه، صلاحیت استقرار و بقا می‌یابد.

بنابراین اگر در مباحث تولید علوم انسانی اسلامی، نظام سازی، جامعه‌سازی و از همه مهمتر، در بحث از تمدن سازی، به سنن الهی توجه نشود، غفلت خیلی بزرگی رخ داده است. در واقع، گویا بدون طراحی زمین بازی، اقدام به بازی شده است. توجه شود که بحث از سنن الهی، با هیچ یک از فروع و احکام دین قابل مقایسه نیست؛ زیرا همه آن احکام و فروع، در اثر و در زمینه سنن الهی تحقق می‌یابند و ما می‌توانیم بگوییم که سنن الهی، بر هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی ما، تاثیر می‌گذارند.

مسلمانان، علی رغم همه تاکیداتی که در قرآن، درباره سنن وجود دارند، متاسفانه آن مقدار

که باید، به این سنن توجه نمی‌کنند. حتی می‌توان گفت که مسلمانان، به‌اندازه‌ای که یک شیمی دان به قوانین الهی در علم شیمی عمل می‌کند و به آنها اعتماد می‌کند، نیز به سنن الهی نپرداخته‌اند و بر اساس آنها عمل نکرده‌اند و به آنها اعتماد ندارند. از این رو، می‌توان گفت که اگر چه برخی به سکولاریسم ناسزا می‌گویند، اما در همان حال، سکولار زندگی می‌کنند.

با وجود اندک مباحث علمی مطرح شده درباره سنن الهی، کارها و پژوهش‌های دیگری لازمند تا درک درستی از این سنن ایجاد نمایند. به نظر می‌رسد که بحث از سنن الهی این ظرفیت را داشته باشد تا بتواند به منزله یک رشته علمی در دانشگاه‌ها ارائه شود و توسعه یابد. یادآوری می‌شود که ما در بحث تولید علوم انسانی، نظام‌سازی و به تبع آن، تمدن سازی، می‌توانیم در پرتو سنن الهی، تحلیل‌های مهمی داشته باشیم. تمدن‌سازی و آینده‌پژوهی تمدنی، ارتباط تنگاتنگی با بحث سنن الهی دارد. بدون لحاظ سنن الهی نمی‌توان بحث از تمدن‌سازی داشت. می‌توان ادعا کرد که سنت‌پژوهی یک روش‌شناسی تولید علوم انسانی اسلامی مبتنی بر سنن الهی است.

همچنین از سنت‌های الهی می‌توان در عبرت‌آموزی استفاده کرد و به نوعی پیش‌بینی و شبیه‌سازی از آینده، پرداخت. همچنین می‌توان از سنن الهی برای تحلیل مسائل جامعه اسلامی و مشکلات جهان اسلام و در سطح کلان‌تر، مشکلات جهان در سطح بین‌الملل، بهره برد. بنابراین، تلاش برای درک و فهم سنت‌ها مفید بوده، بلکه ضرورت دارد.

۲. چگونگی سنت‌پژوهی

برای پژوهش در سنن الهی، پیمودن چند گام زیر الزامی است:

گام اول: جمع‌آوری و احصاء کامل سنن و ویژگی‌های هریک از آنها

در گام اول، باید تلاش کرد تا سنت‌های الهی، به‌طور کامل احصا و جمع‌آوری شوند. البته در این گام، باید دو نکته را مد نظر قرار داد که باید تبیین شود: منبع کشف سنن الهی و روش جمع‌آوری آنها.

۱. منبع کشف سنن الهی

منابعی که معمولا در کشف سنن الهی مورد استفاده قرار می‌گیرند، عبارتند از: وحی و عقل.

الف) وحی به مثابه منبع کشف سنن

قرآن مهم‌ترین منبع در بحث از سنن الهی است. ما در قرآن کریم سنن الهی را داریم که از

سوی خداوند متعال که خالق هستی و عالم تکوین و همچنین شارع و قانون‌گذار حوزه شریعت است، انشاء شده است. ما این قوانین را که خداوند وضع فرموده است، به‌طور کامل در قرآن داریم. می‌توان گفت که بخش مهمی از آیات قرآن، ناظر بر سنت‌اند و در پرتو آنها می‌توان سنت‌ها را کشف کرد. در یک نگاه حداکثری، حتی می‌توان گفت که کل قرآن ناظر به بحث سنن است. به عبارتی، همه آیات قرآن، بر یک رابطه ثابت که خداوند انشاء کرده است، دلالت دارند.

در گام بعد، روایات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان معصوم علیهم‌السلام مورد تفقه قرار می‌گیرند. بسیاری از روایات، مآخذ فهم سنن الهی هستند. همچنین ادعیه معصومین علیهم‌السلام نیز از منابع مهم کشف سنن الهی محسوب می‌شوند. برای مثال، صحیفه سجادیه مملو از دلالت‌های مهم در مورد سنن است.

با نگاه حداکثری به منابع موجود درباره سنت کاوی، ملاحظه می‌شود که تاکنون در حدود ۳۰ سنت، استخراج و تبیین شده‌اند. احتمالا دستاورد استمرار در این روند سنت کاوی، بسیار پرثمرتر و پربازده تر خواهد شد. از این رو، به پژوهش‌های گسترده‌تری در بحث از سنت‌ها، نیاز داریم. باید برای کشف این سنت‌ها، بارها متن قرآن حکیم و احادیث و ادعیه معصومان، مرور و بازکاوی شوند. نکته مهم در این‌جا آن است که ما باید با ملاحظه تقدم رتبی قرآن، ابتدا نظام سنت‌ها را از قرآن استخراج کرده و در گام بعد، سامانه حاصل شده را با احادیث و روایات، تکمیل و بازبینی و تفسیر کنیم. یعنی آیات قرآن به منزله محور بحث در شکل دادن این سامانه، مورد ملاحظه قرار می‌گیرند، و سپس در پرتو روایات معصومین علیهم السلام، برای تکمیل فهم و برداشت‌ها، اقدام می‌شود.

ب) عقل به مثابه منبع کشف سنن

یکی از مهمترین منابع فهم و کشف سنن الهی، عقل است. واضح است که دین، سنت‌ها را در یک سیستم بسته محصور نکرده و فهم برخی از سنن را به منابعی چون عقل و خرد جمعی سپرده است. البته سنت‌ها و قوانینی که عقل می‌تواند آنها را کشف کند، محدود عالم مشهود و شهادتند و نه عالم غیب و انزال وحی. جالب آن‌که در بسیاری از موارد عقل به کمک نقل می‌آید و گاهی نیز نقل در تقویت عقل کارگر می‌افتد و سنت‌های الهی را شناسایی و تبیین می‌کنند.

علاوه بر بیانات شارع، گاهی حتی علوم بشری نیز می‌توانند در کشف سنت‌ها موثر واقع شوند. در این رویکرد، می‌توان ادعا کرد که برخی از سنن تکوینی، از مجرای علوم بشری قابل

فهمند و این فهم نیز حجت است و حتی مورد تاکید شارع مقدس. نکته مهم، ضرورت پرهیز از التقاط علمی (ر.ک: پورعزت، ۱۳۹۳: ۳۲) در انطباق وحی با یافته‌های علوم بشری و تجربه بشری است. با ملاحظه تطور و عدم قطعیت در این علوم، باید از انتساب یافته‌های عقل بشری به سنت‌های خداوند تبارک و تعالی، پرهیز کرد یا دست کم با احتیاط عمل کرد. بنابراین نمی‌توان به منزله یک مبنای ثابت، به این علوم تکیه کرد. البته اگر عقل ملازم وحی شود، خیلی بهتر می‌تواند این سنت‌ها را کشف کند؛ با دلالت صریح به این حکمت مشهور که «کل ما حکم به الشرع حکم به العقل».

روش جمع‌آوری سنن الهی

در باب منبع وحی، از روش اجتهادی متکی به قرآن و روایت استفاده می‌شود. نکته این است که اگر بخواهیم در استخراج سنن از قرآن، از کلید واژه کمک بگیریم، می‌توان بر کلید واژه‌هایی مانند «سنه»، «کلمه»، «قول»، «مثل»، «عبرت»، «ذکر»، «آیه»، «تذکره»، «مثل»، «تعقلون»، «تذکرون»، «کذلک»، «عسی» و همچنین واژه‌هایی که مرتبط با قضای خداوند و اراده الهی‌اند، استفاده کرد. همچنین سرگذشت اقوام گذشته در قرآن یک منبع مهم برای کشف سنت‌ها به حساب می‌آید. در این بین، به ویژه اسلوب‌های شرطی از جایگاه مهمی در یافتن سنن برخوردارند. اما باید گفت که همه این کلید واژه‌ها محدودند و شامل همه سننی که در قرآن ذکر شده است، نمی‌شوند. چه بسیار سنن دیگری در قرآن وجود دارند و با این کلید واژه‌ها و اسلوب‌ها نمی‌توان آنها را یافت. لذا ضرورت دارد که کل قرآن، از ابتدا تا انتها با موضوع سنت‌ها مورد بررسی قرار گیرد، آن هم به دفعات گوناگون. همچنین در مورد روایات نیز باید مانند قرآن، آنها را از ابتدا تا انتها، بارها مورد کاوش و بررسی قرار داد تا روایاتی که ناظر بر سنن هستند، استخراج شوند.

در بحث احصاء سنن از قرآن کریم، همچنین باید به سیاق آیاتی که سنت‌ها در آنها مطرح شده‌اند، از حیث مکی و مدنی بودن آیات، الفاظ به کار رفته در آنها، جایگاه لفظ در آیه و جایگاه آیه در سیاق و نوع بیان و سامانه نظری و زبان شناختی قرآنی، دقت شود. مثلا باید دقت کرد که آیا سنت‌هایی که در مورد فرد به کار می‌روند، کارکرد اجتماعی نیز دارند یا خیر. همچنین باید بررسی کرد که آیا تعمیم آن‌ها به تاریخ و تمدن نیز امکان پذیر است یا خیر؟ اگر از روش اجتهادی، به‌طور صحیح و دقیق استفاده شود، همه این دقت‌ها صورت خواهد گرفت.

در این‌جا به سه قالب و شکل کلی در معرفی سنت‌های الهی در قرآن اشاره می‌شود:

الف) به صورت قضیه شرطیه: در شکل اول، سنن الهی در قرآن، در قالب قضیه شرطیه ظاهر می‌گردند و بر اساس آنها، بین دو پدیده یا دو مجموعه از پدیده‌ها در عالم خارج ارتباط برقرار می‌شود. قرآن این ارتباط را به صورت رابطه شرط و جزا، با هم متصل می‌کند؛ به نحوی که هر وقت شرط محقق شود، تحقق جزا حتمی است (صدر، ۱۳۹۳: ۱۸۶ـ۱۹۱). این شکل از سنن را می‌توان در جای جای قرآن و در سنن گوناگون مشاهده کرد. برای مثال، می‌توان به آیات ذیل اشاره کرد:

﴿وَ إِذَا أَرَدْنَا أَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُواْ فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا﴾ (اسراء: ۱۶)؛

چون بخواهیم شهری را هلاك کنیم، خوشگذرانانش را وا می‌داریم تا در آن به انحراف [و فساد] بپردازند و در نتیجه؛ عذاب بر آن [شهر] لازم گردد، پس آن را [یکسره] زیر و زبر کنیم.

﴿وَ أَن لَّواسْتَقَامُواْ عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُم مَّاءً غَدَقًا﴾ (جن: ۱۶)؛

اگر [مردم] در راه درست، پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم.

﴿إِنَّ اللهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾ (رعد: ۱۱)؛

بی‌تردید خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد، تا آنها وضع خود را تغییر دهند.

در این شکل از بیان سنن، هیچ وقت تحقق شرط و یا عدم تحقق آن بحث نمی‌شود. به عبارت دیگر، سخن از پدیده نخستین که چه موقع پیدا می‌شود و چه موقع پیدا نمی‌شود، مطرح نیست. بلکه فقط اشاره دارد به این‌که اگر شرط محقق شود، جزا (پدیده دوم) به دنبال آن محقق خواهد شد و هیچ گاه شرط از جزا منفک نمی‌شود (صدر، ۱۳۹۳: ۱۹۱ـ۱۸۶).

ب) به صورت قضیه فعلیه قطعی و تحقق یافته

در شکل دوم، سنن الهی در قالب یک قضیه قطعی و منجز، یعنی بدون حالت منتظره، بیان می‌شوند. انسان در این موارد نمی‌تواند به هیچ وجه شرایط، اوضاع و احوال این قضیه را تغییر دهد؛ زیرا صورت قضیه، شرطی نیست، بلکه یک قضیه قطعی است که بالفعل تحقق یافته است و نیاز به تحقق شرطی ندارد (صدر، ۱۳۹۳: ۱۹۱ـ۱۹۲).

برای مثال، در ادراک این صورت از سنن الهی، می‌توان به آیه ذیل اشاره کرد.

﴿وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵)

همانا در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

این آیه اشاره به سنت استخلاف خاص دارد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

ج) به صورت کشش‌ها و گرایش‌های طبیعی

شکل سوم که سخت در محضر قرآن کریم مورد تاکید است، مشتمل بر سنت‌هایی است که به گونه کشش‌ها و گرایش‌های طبیعی حرکت تاریخ انسان مد نظر قرار می‌گیرند و نه به صورت یک قانون قطعی غیرقابل تخلف. گرایش با قانون فرق می‌کند. قانون بر طبق تصور عادی، عبارت است از سنتی که از جانب انسان شکست‌بردار نیست؛ زیرا انسان نمی‌تواند سنت‌های طبیعی را نقض کند و از زیر بار آن بیرون رود. انسان می‌تواند نماز نخواند یا مشروبات الکلی بنوشد، چون این دو مورد بر واجب یا حرام شرعی دلالت دارند و دو قانون تشریعی محسوب می‌شوند و نه تکوینی. واضح است که نمی‌توان قوانین و سنت‌های تکوینی را نقض کرد. نکته مهم این است که یک سری گرایش‌ها و انگیزه‌های طبیعی وجود دارند که در حرکت تاریخی و سیر طبیعی انسان موثرند. خصوصیت این حرکت‌ها و گرایش‌ها، آن است که قابلیت انعطاف دارند، و گاهی می‌توان با آنها برای یک مدت کوتاه، انعطاف پذیر برخورد کرد؛ البته نه برای دراز مدت. برای مثال، می‌توان به کشش «زناشویی» به عنوان یک سنت تاریخی اشاره کرد. این کشش در طبع انسان نهفته است و ساختمان وجودی انسان به آن وابسته است. این کشش، انسان را به سوی جنس مخالفش فرا می‌خواند تا بدین طریق، از طریق ایجاد ارتباط در شکل یکی از قالب‌های اجتماعی ازدواج، بقای نوع انسان تضمین شود. این کشش‌ها و گرایش‌ها در حد خود یک سری سنت‌های اصیلند؛ نه یک قانون اعتباری و نه یک قانون شرعی. مبارزه با این کشش‌ها فقط برای یک مدت کوتاه امکان‌پذیر است. برای مثال، به قوم لوط این مجال داده می‌شود تا برای مدت کوتاهی این قانون طبیعی را پشت پا بزنند. اما وقتی توبه نمی‌کنند، عذاب می‌شوند؛ زیرا در دراز مدت، این رویه موجب می‌شود که جامعه از بین برود و انسان‌ها نابود شوند (صدر، ۱۳۹۳: ۱۹۵ـ۲۰۰).

به منزله یک مثال دیگر از این نوع سنن، می‌توان به آیه ذیل اشاره کرد که در آن، دین به مثابه یک سنت تاریخی و به منزله قانونی که از باطن انسان و فطرت او ریشه گرفته است، معرفی شده است:

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (روم: ۳۰)؛

پس روی خود را با گرایش تمام، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

بنابراین در گام اول، باید ضمن تلاش برای احصاء کامل سنن و همچنین ویژگی‌ها و شرایط تحقق هر یک از آنها، زمینه مطالعه عمیق تر آنها فراهم آید.

گام دوم: طبقه بندی سنن

بعد از کشف و احصاء کامل سنن، باید سنت‌ها را طبقه بندی کرد. تبویب سنن و شکل دهی شبکه سنن در این گام صورت می گیرد. ما بعد از کشف سنن، با یک سری از قوانین و قواعدی مواجه می‌شویم که به نظر می‌رسد، پراکنده‌اند. توجه به سوالات زیر بسیار مهم است:

الف) چگونه می‌توانیم شبکه بین سنن را کشف کنیم؟

ب) چگونه می‌توانیم سیستم حاکم بر این سنن را به دست آوریم؟

ج) و این‌که آیا می‌توانیم یک وجه جمعی بین سنن کشف کنیم؟

د) آیا می‌توانیم این سنن گوناگون را به سنت‌های کلان‌تر تقلیل دهیم؟

ه) آیا می‌توانیم به یک «امّ السنه» و یا «ابر سنت» برسیم؟

گام سوم: کشف و تبیین نظام حاکم بر سنن و تبیین نحوه تعامل و مراوده سنن با یکدیگر

بعد از احصا سنن و طبقه بندی آنها، باید موارد زیر بررسی شود:

الف) آیا این سنن با هم ارتباط دارند؟

ب) آیا این سنن با هم در تعارضند؟

ج) چه ارتباطی بین این سنن وجود دارد؟

د) چگونه می‌توان ارتباط و نحوه تعامل بین سنن را تبیین کرد؟

یک ویژگی مهم سنن این است که برخی از آنها ممکن است بر برخی از سنن دیگر حاکم باشند، که البته این به معنای تبدیل و تحویل نیست، بلکه حاکم بودن یک مقوله دیگری است. ممکن است دو سنت وجود داشته باشد که یکی بر دیگری (با توجه به شرایطی)، حکومت داشته باشد و در پرتو آن فهم شود. لذا لازم است به دقت، رابطه بین سنن را تبیین کرد.

برای مثال، حکومت یک سنت بر سنت دیگر را می‌توان از گفتار علامه طباطبایی درباره سنت رزق استنباط کرد. از آیه ﴿وَ لكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ ما يشاءُ﴾ (شوری: ۲۷) در بیان سنت الهی در روزی دادن بر طبق حال مردم، می‌توان چنین استنباط کرد که صلاح حال مردم در اندازه ارزاقشان دخالت دارد. آیا این با طغیانی که در بعضی ثروتمندان مشاهده می‌کنیم و می‌بینیم که روز به روز ثروتمندتر می‌شوند، منافات ندارد؟ خدای تعالی، غیر از آن سنت، سنت دیگری

نیز دارد که بر سنت قبلی حاکم است و آن عبارت است از سنت آزمایش و امتحان، که در این‌باره چنین فرموده است: ﴿اِنَّما أَمْوالُکُمْ وَ أَوْلادُکُمْ فِتْنَةٌ﴾ (تغابن: ۱۵). همچنین سنت سومی نیز دارد، که آن سنت مکر و استدراج است و درباره آن چنین می‌فرماید:

﴿سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَیثُ لا یعْلَمُونَ وَ أُمْلِی لَهُمْ إِنَّ کَیدِی مَتِینٌ﴾ (اعراف: ۱۸۲ـ۱۸۳) (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج۱۸، ۵۷).

کلام علامه به روشنی نشان دهنده نحوه تعامل بین سه سنت «رزق» و «امتحان» و «استدراج» است. سنت رزق سنت ابتدایی است که بر اساس آن، رزق مردم، به اندازه‌ای که باعث صلاح آنها می‌شود، تقسیم می‌گردد. اما بعضی مواقع لازم است که این انسان، بر اساس مال مورد آزمایش قرار گیرد که در این صورت، در مال او توسعه داده می‌شود و این مال، سبب آزمایش او قرار می‌گیرد. در این هنگام است که گویا سنت امتحان، بر سنت رزق حاکم می‌گردد. اما یک وقت، قرار است که، اسباب گمراهی انسان فاسق فراهم شود و مبتلا به سنت استدراج گردد که در این حالت، خداوند آن‌قدر به او مال ارزانی می‌فرماید تا این انسان روز به روز در گمراهی فرو رفته و راه نجات نداشته باشد. در این حالت است که سنت استدراج نیز بر دو سنت دیگر حاکم می‌شود.

گام چهارم: تطبیق سامانه به دست آمده بر روی مصداق‌های خارجی گذشته

در این گام، باید سامانه به دست آمده از سنن را بر روی مصداق‌های گوناگونی که در گذشته اتفاق افتاده است، تطبیق دهیم تا بتوانیم هر چه بهتر، سامانه به دست آمده را محک بزنیم و جوانب متنوع آن را بهتر کشف کنیم. همچنین این کار باعث می‌شود، مهارت در تبیین و تحلیل وقایع اتفاق افتاده، افزایش یابد و بر اساس آن، بتوانیم فهم بهتری از سامانه سنن و نحوه تعامل سنن با یکدیگر، داشته باشیم. نتیجه این کار، فهم عمیق و دقیق از سنن الهی و روابط بین آنهاست که بر مبنای آن، می‌توانیم اولاً، وضعیت حال را مورد تحلیل و بررسی قرار داده و ثانیاً تحلیل و تبیین خوبی از وقایع آینده داشته باشیم.

گام پنجم: تحلیل و تبیین وقایع آینده با توجه به سامانه سنن

در این گام، در صورتی که بتوان ادعا کرد که ما تا حد امکان، سامانه سنن را کشف کرده‌ایم، می‌توان وقایع و حوادث آینده را تحلیل کرد و تخمین زد. در این گام است که سنت‌پژوهی، به کمک آینده‌پژوهی آمده و برای تحلیل وقایع آینده، داده‌های مناسب را در اختیار آینده‌پژوهی قرار می‌دهد. در این امتداد، مبتنی بر سامانه سنن، می‌توانیم از آینده مبتنی

بر سنن، تبیین خوبی داشته باشیم و بر اساس آن، تجویزهایی را برای آینده ارائه دهیم. ما بر اساس این سامانه سنن، می‌توانیم مسائل گوناگون آینده را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم و در ساختن آینده از آن استفاده کنیم. کافی است که بتوان این سنن و سامانه حاکم بر آنها را به نحو مناسب استخراج کرد. در پرتو فهم سنن، حتی ممکن است بتوان روندهای[1] حاکم بر سامانه آفرینش را کشف کرد و حتی به مطالعه و شناسایی علائم ضعیف تغییر[2] پرداخت.

سنت‌پژوهی مهدویت

از آن‌جا که مسائل و موضوعات گوناگون، ممکن است موضوع علم آینده‌پژوهی قرار گیرد و از آینده‌پژوهی در تبیین و ساختن آینده آن موضوع استفاده شود، مهدویت نیز ممکن است به منزله یک موضوع در علم آینده‌پژوهی، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. زیرا مهدویت، یک حوزه گسترده است که از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است. حتی می‌توان از روش‌ها و فنونی که در علم آینده‌پژوهی مطرح شده‌اند، برای فهم مسئله مهدویت استفاده کرد و آینده آن را در پرتو آن، مورد بررسی و تحلیل قرار داد. حال اگر بخواهیم آینده مهدویت را با رویکرد سنت‌پژوهی مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم، نیاز است که سنت‌هایی را که با موضوع مهدویت ارتباط پیدا می‌کنند، کشف کرده و ویژگی‌ها و شرایط هر یک از سنن را به‌طور دقیق استخراج نماییم. در گام بعد باید سامانه حاکم بر این سنن نیز کشف شود و سپس، موضوع مهدویت بر اساس آن مورد تبیین و تحلیل قرار گیرد. ولی با توجه به میزان بالای تحقیقاتی که باید در این زمینه انجام شوند، بحث کامل در مورد سنت‌پژوهی مهدویت، از حوصله این نوشتار خارج بوده و پژوهش‌های گسترده دیگری را می‌طلبد. اما در این‌جا، از باب نمونه به چند سنت مرتبط با مهدویت پرداخته می‌شود. شاید این مهم، مقدمه‌ای برای توسعه گروه‌های کار فرازمانی در این خصوص باشد (ر.ک: پورعزت و دهقان‌پور فراشاه، ۱۳۹۳).

۱. سنن مرتبط با قوم برگزیده

سرگذشت قوم بنی‌اسرائیل از داستان‌های مهمی است که بسیاری از آیات قرآن به آن پرداخته است. تعداد آیات مرتبط با این مهم، این سوال را پیش می‌آورد که چرا قرآن تا این حد به سرگذشت این قوم بها داده است؟ مگر این قوم چه خصوصیتی داشته‌اند، که این مقدار آیه در مورد آنها وجود دارد؟

1.Trends
2.Weak Signals

با دقت در این آیات، با آیه‌ای مواجه می‌شویم، که بیان‌کننده آن است که قوم بنی‌اسرائیل قوم برگزیده بوده‌اند. قرآن می‌فرماید:

﴿یا بَنِي إِسْرَاءِیلَ اذْکُرُواْ نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَیکُمْ وَ أَنِّي فَضَّلْتُکُمْ عَلَى الْعَالَمِین﴾ (بقره: ۴۷)؛

ای بنی‌اسرائیل! به یاد آورید نعمتم را که بر شما ارزانی داشتم و شما را بر جهانیان (مردم زمانه) برتری دادم.

در ادامه با بررسی آیات مربوط به بنی‌اسرائیل، متوجه سنت‌هایی می‌شویم که در مورد این قوم، پیاده شده‌اند.

از سوی دیگر، در قرآن آیاتی داریم که اشاره می‌کند به این‌که، قوم پیامبر اکرم ﷺ، قوم برگزیده‌اند. برای نمونه در قرآن می‌فرماید:

﴿وَ جَاهِدُواْ فِي اللهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاکُم﴾ (حج: ۷۸)؛

در راه خدا چنان‌که شایسته اوست جهاد کنید. او شما را برگزید.

از کنار هم قرار دادن این دو آیه (برگزیدن بنی‌اسرائیل و قوم پیامبر اکرم ﷺ) و همچنین با توجه به تعداد آیاتی که به بنی‌اسرائیل اختصاص داده شده است، این حدس برای انسان به وجود می‌آید که شاید همان سننی که در مورد قوم بنی‌اسرائیل اتفاق افتاده، در مورد قوم پیامبر اکرم ﷺ نیز اتفاق خواهد افتاد. این حدس با سیر در روایات نیز تقویت می‌شود. با سیر در روایات، با روایاتی مواجه می‌شویم که در آنها تصریح شده است که تمام سننی که در مورد بنی‌اسرائیل اتفاق افتاده‌اند، در مورد قوم پیامبر اکرم ﷺ نیز اتفاق خواهند افتاد. از پیامبر اکرم ﷺ در این باره چنین روایت است:

و الذی نفسی.بیده لترکبن سنن من کان قبلکم حذو النعل بالنعل و القذة بالقذة لا تخطئون طریقهم و لا یخطئکم سنن بنی‌اسرائیل (بحرانی، ۱۴۲۸:ج۲، ۲۶۷)؛

قسم به آن کسی که جانم در دست اوست، قطعا سنت‌هایی که در مورد گذشتگان اتفاق افتاده، دقیقا در مورد شما نیز پیاده خواهد شد و شما از مسیر آنها خارج نخواهید شد و سنن بنی‌اسرائیل، در مورد شما نیز پیاده خواهد شد.

در نتیجه، ضرورت پیدا می‌کند که ما سرگذشت بنی‌اسرائیل و سننی که در مورد آنها اتفاق افتاده است را به دقت مورد بررسی قرار دهیم. جالب آن که می‌بینیم برای مثال، سنت «غیبت» نیز در مورد آنها اتفاق افتاده است. لذا یکی از سنن بسیار مهمی که با مهدویت ارتباط پیدا می‌کند، سنن مرتبط با قوم برگزیده است که نیاز به بررس دقیق و جامع دارد. قطعا

می‌توان گفت که احصاء این سنن، می‌تواند در تحلیل وضعیت حال جامعه ما که در دوران غیبت به سر می‌بریم و تبیین آینده آن، بسیار مفید واقع شود.

۲. سنت استخلاف

یکی دیگر از سنت‌هایی که با مهدویت ارتباط پیدا می‌کند، سنت استخلاف است. سنت استخلاف به دو نوع عام و خاص در قرآن معرفی شده است. سنت استخلاف عام که همان استخلاف نوع بشر بر روی زمین است، در آیات گوناگون بیان شده است. از جمله می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِی جَعَلَکُمْ خَلَائِفَ فِی الْأَرْضِ﴾ (فاطر: ۳۹)؛
او کسی است که شما را در این سرزمین جانشین گردانید.

﴿وَ إِذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلَئِکَةِ إِنِّی جَاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَةً﴾ (بقره: ۳۰)؛
به یاد بیاور آن زمانی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت.

اما استخلاف خاص، یک سری شرایط دارد، از جمله ایمان و تقوا که خداوند آن را در مورد افراد خاصی پیاده خواهد کرد. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللهُ الَّذِینَ ءَامَنُواْ مِنکُمْ وَ عَمِلُواْ الصَّلِحَتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضَیٰ لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا یَعْبُدُونَنِی لَا یُشْرِکُونَ بِی شَیا وَ مَن کَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُون﴾ (نور: ۵۵)؛
خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنها را در زمین جانشین کند؛ چنان که اسلاف‌شان را جانشین کرد؛ و دین‌شان را که برایشان پسندیده، برای آنها استقرار می‌بخشد و خوفشان را به ایمنی بدل می‌سازد؛ آنان مرا عبادت می‌کنند و چیزی را با من شریك نمی‌سازند. هر کس که پس از آن کفر ورزد، واقعاً فاسق است.

همچنین در آیات ۱۰۵ از سوره انبیاء و ۵ از سوره قصص و ۱۲۸ از سوره اعراف نیز بر جاری بودن این سنت تاکید شده است. بررسی این سنت و شرایط تحقق آن و احصاء کامل ویژگی‌های آن، نکات مهمی را مدنظر قرار می‌دهد، که در تحلیل موضوع مهدویت و تجویزهایی برای آینده، قابل استفاده است.

۳. سنت غیبت

یکی دیگر از سنن بسیار مهمی که با مهدویت ارتباط دارد، سنت غیبت است. همان‌طور که

در سنن مرتبط با قوم برگزیده اشاره شد، این سنت در داستان بنی‌اسرائیل نیز مطرح بوده است. ائمه علیهم‌السلام بر این مهم اصرار داشته و نکات مهمی را در مورد آن (مانند فلسفه غیبت) ذکر کرده‌اند و سعی داشته‌اند تا در دوران نزدیک به غیبت، مردم را با این سنت خداوند آشنا کنند. برای مثال، در دوران زندگانی امام هادی و امام عسگری علیهما‌السلام، به دفعات ملاحظه شد که آنها در پرتو سنت غیبت، به اقداماتی برای آماده‌سازی مردم، مبادرت کرده‌اند.

از دیگر سنت‌های مهمی که با موضوع مهدویت ارتباط پیدا می‌کند و نیاز به تبیین دقیق دارد می‌توان به سنت‌های «انتظار»، «یاری»، «بداء»، «تقابل حق و باطل» و «غلبه حق بر باطل» اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

یکی از امتیازهایی که آینده‌پژوهی دینی نسبت به آینده‌پژوهی رایج دارد، امکان استفاده از سنن الهی در آینده‌پژوهی دینی است. جایگاه سنن الهی در این مبحث بسیار مهم است؛ تا حدی که می‌توان گفت اساس بحث از آینده‌پژوهی دینی، بحث از سنن الهی است. اگر بتوان ادعا کرد که در برآورد از آینده و آینده‌پژوهی، امکان استفاده از سنن الهی وجود دارد، می‌توان گفت که آینده‌پژوهی دینی بسیار قابل اعتماد است. برای تحقق این هدف لازم است که پژوهش‌های بسیار گسترده و عمیقی در بحث از نحوه کشف و تبیین سنن و همچنین کاربردهای آنها در تحلیل واقعیت موجود، صورت گیرد. حتی به نظر می‌رسد که توسعه روش‌شناسی ویژه‌ای با موضوع سنن الهی، بسیار اهمیت داشته و حتی ضروری است. در این امتداد، مطلوب است که از منابع گوناگون برای کشف و فهم سنن استفاده شود تا سنت‌های گوناگون، ویژگی‌های آنها، شبکه سنن و سامانه حاکم بر آن شبکه، شناسایی شوند. در این پژوهش سنت‌پژوهی به منزله رویکردی نوین برای استفاده از سنن در آینده‌پژوهی معرفی شد. این رویکرد، در بر گیرنده پنج گام است که هر یک از گام‌های آن، در این نوشتار مورد بحث قرار گرفتند. بدیهی است که تبیین بهتر این گام‌ها مستلزم کاوش و پژوهش بیشتری است. استخراج سنت‌های گوناگون ذکر شده در آیات و روایات و تبیین دقیق آنها و بحث از شرایط تحقق آنها و در نهایت معرفی سامانه سنن الهی، می‌تواند در مباحث گوناگون، برای فهم حوادث آینده، بسیار نافذ و کارساز جلوه کند.

منابع

- قرآن کریم
- ابن فارس، احمد بن فارس، ***معجم مقاییس اللغة***، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴
- اراکی، محسن، ***سنن القیاده الالهیه فی التاریخ***، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۰
- اکبری، رضا و همکاران، ***طرح پژوهشی سنن الهی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت***، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۹۴
- باقری، مصباح الهدی، سپهری، مهدی، مسعودی‌پور، سعید، «تبیین جایگاه سنت رزق و اعتقاد به آن در کسب و کار از دیدگاه قرآن کریم»، ***مدیریت اسلامی***، شماره ۶، ۱۳۹۲
- بحرانی، هاشم، ***البرهان فی تفسیر القرآن***، قم: مؤسسه دارالمجتبی للمطبوعات، ۱۴۲۸
- بیاری، علی‌اکبر، سنت‌های الهی معطوف به آینده جهان، فصل‌نامه ***مشرق موعود***، شماره ۱، ۱۳۸۶
- بل، و، ***مبانی آینده‌پژوهی***، ترجمه: مصطفی تقوی، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۹۲
- تقوی، مصطفی، ***بصیرت‌های آینده‌پژوهان حرفه‌ای***، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۹۲
- پدرام، عبدالرحیم، ***چیستی آینده‌پژوهی اسلامی و راهبردهای تحقق آن***، قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی رحمه‌الله، ۱۳۹۳
- پدرام، ع. و عیوضی، م؛ ***درآمدی بر آینده‌پژوهی اسلامی***، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، ۱۳۹۳
- پدرام، عبدالرحیم و همکاران، ***مقدمه‌ای بر آینده‌پژوهی***، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۹۲
- پورعزت، علی‌اصغر، ***مدیریت ما***، تهران: بنیاد نهج‌البلاغه، ۱۳۹۳
- پورعزت، علی‌اصغر؛ دهقان‌پور فراشاه، افسانه، ***پژوهش‌های نهج‌البلاغه***، بهار ۱۳۹۳، شماره ۴۰
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ***صحاح اللغه***، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶
- جین، ز. ***تغییرات جهان‌گستر فناوری، به سوی فناوری‌های نرم***، ترجمه: حسنوی، ر. و سلامی، ش، تهران: دانشگاه صنعتی مالک اشتر، ۱۳۸۷
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ***المفردات فی غریب القرآن***، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲
- سهراب‌پور، همت، ***سنت‌های الهی***، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹

- صدر، محمدباقر، ***سنت‌های تاریخ در قرآن***، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۳
- طباطبایی، م. ***المیزان فی تفسیر القرآن***، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷
- طریحی، فخرالدین، ***مجمع البحرین***، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵
- عیوضی، عبدالرحیم، (آینده پژوهی و مطالعات دینی)، ***دو ماهنامه فارابی***، شماره ۲۷، ۱۳۹۱
- کرمی علی، ***ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن***، قم: نشر المرتضی، ۱۳۷۰
- مصباح یزدی، محمدتقی، ***جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن***، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸
- مصطفوی، حسن، ***التحقیق فی کلمات القرآن الکریم***، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۰
- محمدی گیلانی، محمد، ***قرآن و سنن الهی در اجتماع بشر***، تهران: نشر سایه، ۱۳۸۵
- مرادخانی، احمد، ***سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن***، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۴
- ملکی‌فر، عقیل، ***آینده‌پژوهی و دین: آیا آینده‌پژوهی دینی موضوعیت دارد؟***، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۸۵
- واقف‌زاده، شمسی و همکاران، (سنت‌الله به روایت قرآن)، ***مطالعات قرآنی***، شماره ۱۲، ۱۳۹۱
- Bell, W.(2003) Foundations of Futures Studies (2th Ed.), New Jersey: Transaction Publishers
- Inayatullah. S. (2007). Questioning the Futures (Method and Tools for Organizational and Transformation) (3th ed.). Tamkang University